دانش
انرژی دریای نا آرام ۲۸

دانش
کم‌خونی و بارداری ۲۸

خانه
درگیر زندگی فرزندتان شوید ۲۹

جامعه
اشتیاق سوختن ۳۰

آتش‌سوزی در پارک ملی گلستان

مرثیه‌ای برای یک رویا

سیاوش کیانی‌پور

عکس: حامد خورشیدی، فارس

همه چیز از ساعت هشت روز چهارشنبه هجدهم مردادماه جاری آغاز شد. زمانی که کارمندان تمام ارگان‌ها و سازمان‌ها تازه‌کار روزانه خود را شروع کرده بودند.

همه‌جا آرام بود و همه طبق روال کاری به فعالیت خود می‌پرداختند. اما درست در همان زمان شرقی‌ترین نقطه پارک ملی گلستان از این قاعده مستثنی بود.

پرندگان منطقه «تختی‌المه» سراسیمه بودند و اگر چه فضای جنگل باز و فراخ برای پرواز بود اما همچون پرندگان در قفس، خود را به این سو و آن سو می‌زدند. آهوان آرامش را ز یاد برده بودند و پلنگ‌ها که خود تداعی‌کننده حس وحشت هستند وحشت‌زده بودند. آتشی که هیچ‌کس تاکنون دلیل اصلی آن را نمی‌داند در تختی‌المه آغاز شد و بوته‌زارهای این منطقه را در کوتاه‌زمانی در نوردید. وزش باد و کمبود رطوبت مزید بر علت شد تا آتش با سرعت هر چه بیشتر به راه خود ادامه دهد و از طرفی صعب‌العبور بودن منطقه سرعت اطفای حریق را کند کرده بود.

بوته‌های کوتاه و سرسبز در زیر تابش آفتاب به سرعت هر چه بیشتر در حال سوختن بود. اگرچه آتش در پارک ملی و در حوزه جغرافیایی خراسان شمالی اتفاق افتاده بود اما به جهت آنکه ۸۰ درصد پارک در گلستان قرار دارد گلستانی‌ها خود را بیشتر ملزم به حفظ این پارک و اطفای حریق آن می‌دانستند.

گونه‌های علفی، بوته‌ها، درختچه‌های گون، درختان سوزنی، آلوچه و زرشک در حال سوختن بود. پرندگان آواره شده بودند و حیوانات بی‌خانمان و از همه مهم‌تر نهمین ذخیره‌گاه زیست‌کره در حال نابودی قرار گرفته بود.

در ابتدا حضور نیروها آن طور که باید و شاید ملموس نبود و کمبود نیروی انسانی بر مناطق آتش گرفته می‌افزود به طوری که شهریاری مدیرکل اداره حفاظت محیط زیست استان گلستان اعلام کرد اگر نیرو از همان ابتدا به اندازه کافی بود ما آتش را در ۲۴ ساعت مهار می‌کردیم اما ۲ ، ۳ روز اول وقت را از دست دادیم چون نیرو به اندازه کافی نداشتیم. برنامه‌ریزی آنقدرها اصولی نبود و تنها روز آخر برنامه‌ریزی منظم و نیروی آماده سبب غلبه ما بر آتش شد. این صحبت‌ها در حالی است که ایران جزء ۱۰ کشور بحرانی جهان و گلستان نیز در لیست ۱۰ استان بحرانی ایران قرار دارد، استانی که با سه بلای سیل، آتش و زلزله نامش عجین بوده است.

نیروها آمدند از همه جا. از محیط زیست، منابع طبیعی، هلال احمر، فرمانداری تمام شهرستان‌های استان گلستان، راه و ترابری و نیروی انتظامی، بسیج، مردم، جهاد کشاورزی، تیپ شش زرهی عمار یاسر، تیپ یکم نینوا، لشکر ۲۵ کربلا، پادگان گنبد، پادگان نوده و تیپ دو بجنورد از لشکر ۳۰ پیاده ارتش آمدند و با کمترین امکانات شروع به خاموش کردن آتش کردند. با بیل و سمپاش‌های پشتی که داخل آن آب می‌کردند و روی آتش می‌ریختند. البته این سمپاش‌ها ۱۰ تا بیشتر نبود. اره موتوری هم ۱۰ تا آورده بودند که درختان نیم‌سوز را قطع کنند و مانع سرایت آتش به دیگر درختان شوند. به گفته مدیرکل منابع طبیعی گلستان دو هزار ۲۰ لیتری آب هم برای خاموش کردن آتش به منطقه آورده شد. نه در گفته‌های شهریاری و نه در گفته‌های هیچ مسئول دیگری حرفی از کپسول‌های آتش‌نشانی برای مهار آتش دیده نمی‌شد و حتی با وجود دو هزار نفر نیرو آنچه ۸۰ درصد آتش را مهار کرد دو هلیکوپتری بود که از نیروی هوایی سپاه تهران، پایگاه فتح آورده شده بود. هلیکوپترهایی که در هر بار پرواز ۲۵۰۰ لیتر آب را بر سر آتش می‌ریختند.

استانی که جزء ۱۰ استان بحرانی خیز کشور است امکاناتی اینچنین ضعیف در مقابله با بحران دارد و شاید اگر هلیکوپترها نبودند وسعت آتش خیلی بیشتر از اینها می‌شد. ۴۰۰ هکتار از ۹۲ هزار هکتار اراضی پارک ملی گلستان دچار آتش‌سوزی شد که این مقدار به صورت لکه‌ای و نقطه به نقطه بود و از این مقدار ۲۰۰ هکتار آن به صورت ۱۰۰ درصد سوخت و نابود شد. مسئولین استان گلستان هنوز برآورد خسارات مادی این حادثه را نکرده‌اند و می‌خواهند با یک کار کارشناسی بعد از اطفای کامل حریق به آن بپردازند. اما هرگز نباید فراموش کرد بر روی نابودی این گونه‌ها و درختان نمی‌توان قیمتی گذاشت و آن را در حصار اعداد و ارقام قرار داد. نباید فراموش کرد که این پارک یک هشتم گونه‌های گیاهی ایران را در خود جای داده است و نیمی از پستانداران کشور در آن زیست می‌کنند. ۹۲ هزار هکتاری که به نوعی ریه‌های تنفسی این سرزمین هستند.

زمانی که مقابل قسمت‌های سوخته جنگل می‌ایستی و به آن خیره می‌شوی اصلاً به نظرت نمی‌آید که منطقه سوخته‌شده در حد و اندازه‌های ۴۰۰ هکتار باشد اما وقتی پا به عرصه سوخته می‌گذاری تازه می‌فهمی وسعت ناحیه تا چه اندازه است.

منطقه آتش گرفته نمایی در کناره جاده ندارد تا رهگذران آن را ببینند. وقتی به منطقه «میرزا بایلو» در آخرین نقطه پارک ملی گلستان می‌رسی وارد فرعی خاکی می‌شوی و حدوداً یک ساعت باید با اتومبیل در حرکت باشی تا به منطقه آتش برسی. البته در این مسیر تا نیمه‌های راه جاده‌ای از قدیم بوده اما زمانی که حادثه رخ داد لودرها و بولدوزرهای راه و ترابری به این نقطه آمدند و جاده را تا نقاط آتش گرفته هموار کردند.

اگر چه کار سختی بود اما موفق شدند و البته کارشان قابل تقدیر و ستایش بود. نیروهای امدادی فعالیت مناسبی داشتند و با توجه به کمبود امکانات فعالیت خوبی از خود نشان می‌دادند. به غیر از روز نخست حادثه که نیروهای هلال‌احمر، محیط زیست و نیروی انتظامی استان خراسان شمالی هم در منطقه در کنار گلستانی‌ها بودند مابقی روزها نیروهای گلستان از اکثر نهادها به فعالیت پرداختند و بیشتر نیروها ۲ ، ۳ روز در منطقه بدون رفع خستگی حضور داشتند. به چهره هر کدام از آنها که نگاه می‌کنی خستگی مضاعفی را می‌بینی.

هر دودی که از گوشه‌ای برمی‌خیزد چند نفر به سوی آن هجوم می‌برند تا کاملاً آتش زیر خاکستر را خاموش کنند تا با کوچک‌ترین بادی دوباره شعله‌ور نشوند. کاربردی‌ترین وسیله و یا شاید بتوان گفت تنها وسیله برای همه افراد بیل بود که با آن از تجاوز آتش جلوگیری می‌کردند.

خاکسترها هنوز گرم بود. شاید تندبادی دوباره آتش را به راه بیندازد و حتی به گفته شهریاری آتش‌سوزی احتمالاً ادامه خواهد داشت و در این فصل و فصل پاییز احتمالاً تکرار خواهد شد. او گلستان را استانی بحرانی می‌داند و معتقد است که مسئولان گلستان باید همیشه آماده مقابله با بحران باشند و از این اتفاق به عنوان مانوری خوب برای دستگاه‌های استانی یاد می‌کند چرا که همه دستگاه‌ها با این فعالیت خود را آزمایش کردند و دانستند که چه چیزهایی کمبود دارند. شاید این حادثه را بتوان مانوری دانست که سبب بیداری شود اما نبایستی فراموش کرد که آتش بعدی ممکن است فضای بیشتری را در برگیرد و آنگاه نمی‌توان آتش را با بیل خاموش کرد.

پارک ملی گلستان که ثلث پرندگان کشور را در خود جای می‌دهد اینک ۴/۰ درصد خود را در آتش سوخته می‌بیند فضایی که مامن پرندگان بوده است.

بلبلی روی تخته سنگی در میان خاکسترها نغمه سر می‌دهد. نغمه‌ای که از سر ذوق نیست، نغمه‌ای که مرثیه‌ای برای نابودی جنگل است و نغمه‌ای که برای آشیانه نابود شده‌اش است. اگرچه به گفته مسئولین هیچ حیوان و انسانی در این حادثه از بین نرفته‌اند اما حیوانات این ناحیه از جنگل بی‌سرپناه شده‌اند.

در مسیر جاده آهوانی نیز خیره‌خیره به اتومبیل‌ها می‌نگرند. برای آنها هم این حادثه دردناک است و آنها هم از وجود این همه هلیکوپتر و اتومبیل و انسان خوششان نمی‌آید. آتشی که از تختی‌المه شروع شد و در دره «آق‌سو» پایان یافت، دره‌ای که بوته‌های زیادی در آن نابود شدند. هر کجا که قدری آتش باشد هلیکوپترها خود را به آنجا می‌رسانند و آن را خاموش می‌کنند. هنوز هم برای کسی علت اولیه آتش مشخص نیست. شاید حتی ته‌سیگاری این حادثه را ایجاد کرده باشد اما در مورد اینکه عمدی بوده یا غیرعمد شهریاری می‌گوید هنوز مشخص نیست، در حال بررسی است. به گفته مقام مسئول استان گلستان ما از مقامات قضایی می‌خواهیم کسانی که باعث بروز چنین اتفاقاتی می‌شوند را به اشد مجازات برسانند چرا که آنها با سهل‌انگاری خود استان و کشور را درگیر بحران می‌کنند و اگر با آنها برخورد نشود باز هم مشکلاتی را به وجود می‌آورند.

ساعت هفت بعدازظهر دوشنبه ۲۳ مردادماه بعد از ۱۳۱ ساعت آتش در پارک ملی مهار شد اما این پایان کار نیست چرا که وزش باد، رطوبت کم و خشکی درختان و علفزارها این هشدار را به ما می‌دهند که هر آن ممکن است این حادثه تکرار شود و خسارتی تازه بیافرینند. به همین دلیل نیروهای منابع طبیعی و محیط زیست در منطقه ماندند که اگر حادثه رخ داد تا ورود نیروهای کمکی بتوانند از بروز خسارات جبران‌ناپذیر جلوگیری کنند و این زیستگاه ارزنده را که از نظر اکولوژیکی دارای ارزشی جهانی و بین‌المللی است از آتش حفظ کنند.

■ ۲۰۰ هکتار آسیب جنگل‌های گلستان

آتش‌سوزی اخیر در استان گلستان به ۲۰۰ هکتار از جنگل‌ها و مراتع مشجر پارک ملی گلستان خسارت وارد کرد و آسیب جدی به گونه‌های گیاهی نادر و درختان قدیمی منطقه وارد نشد. شعبان اسدی مدیرکل فنی حمایت و حفاظت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور به خبرگزاری ایانا گفت: آتش‌سوزی اخیر در سطح ۴۰۰ هکتار از جنگل‌ها و مراتع شرق پارک ملی گلستان که زیر نظر سازمان محیط زیست است، اتفاق افتاد که به دلیل پراکنده بودن سطح آتش‌سوزی، خسارات کلی حدود ۲۰۰ هکتار برآورد می‌شود. وی با اشاره به عمقی نبودن سطح آتش‌سوزی و مهار به موقع آن افزود: برآورد عمق آتش‌سوزی نشان می‌دهد که حداکثر ۲۰ درصد آسیب دیدگی به‌طور جدی در مساحتی ۱۵۰ هزار هکتاری رخ داد و به جز گونه‌های خشک مراتع، گونه‌های نادر و درختان قدیمی منطقه، آسیب جدی ندیده‌اند. اسدی با اعلام این مطلب که پارک ملی گلستان جزء مناطق چهارگانه حفاظتی است افزود: آتش‌سوزی در روز چهارشنبه هفته گذشته به اوج رسید که با همکاری نیروهای لشکری، کشوری و کلیه نهادهای مردمی تا غروب مهار شد، ولی به دلیل بادخیزبودن منطقه و وجود مراتع خشک، آتش از نقطه دیگری آغاز شد که با همکاری نیروهای مردمی، یگان‌های هوایی اطفای حریق (هوانیروز) و ارتش جمهوری اسلامی آتش به‌طور کامل در روز شنبه مهار شد و تاکنون نیز گزارشی مبنی بر آتش‌سوزی در این منطقه گزارش نشده است. وی با اشاره به وقوع ۸۰ فقره آتش‌سوزی در سایر نقاط کشور همزمان با آتش‌سوزی استان گلستان افزود: روز چهارشنبه همزمان با آتش‌سوزی گلستان به جز استان‌های قم و مرکزی ۸۰ فقره آتش‌سوزی در سایر استان‌های کشور رخ داد که با نظارت دقیق در کلیه مناطق، آتش در کل کشور مهار شد. مدیرکل فنی حفاظت و حمایت سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور سطح مورد حریق در آتش‌سوزی‌های اخیر را بیش از یک هزار هکتار عنوان کرد و افزود: در مجموع یک هزار و ۴۹ هکتار از مراتع کشور در اثر حریق از بین رفته است که از این میزان بیش از ۲۰۰ هکتار مربوط به استان گلستان و ۸ هکتار نیز مربوط به منطقه منجیل در استان گیلان است. وی در پایان تصریح کرد: هم‌اکنون ۳۰۰ نفر از نیروهای ارتش، هوانیروز، نزاجا و نیروهای مردمی در استان گلستان حضور دارند و ضمن فعالیت در حال تثبیت وضعیت کنونی هستند.

فرمانده انتظامی استان فارس در گفت‌وگو با شرق:

آدم‌ربایان در فارس، قاچاقچیان شکست‌خورده‌اند

عاطفه آزاد

موقعیت خاص جغرافیایی استان فارس، این استان را به کریدوری برای انتقال مواد مخدر از جنوب به شمال تبدیل کرده است. سیر صعودی کشفیات مواد مخدر در استان فارس حکایت از اهمیت این مسیر در انتقال مواد مخدر دارد.

سردار احمد علیرضا بیگی فرمانده انتظامی استان فارس در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه شرق در حالی مسئله آدم‌ربایی در استان فارس را موضوعی جدی، بغرنج و رو به افزایش می‌داند که از اواخر پارسال اخبار آدم‌ربایی زیادی در این استان منتشر شده است. خبر دستگیری گروگانگیران مرد رستوران‌دار در سال گذشته و پسربچه ۱۱ ساله‌ای که چندی پیش توسط پلیس از چنگ آدم‌ربایان نجات پیدا کرد از جمله این اخباری است که تنها گویای گوشه‌ای از این نوع حوادث است.

سردار بیگی با اشاره به ۲۰ فقره افزایش آدم‌ربایی در چهارماهه اول سال ۸۵ گفت: «در این مدت ۳۶ مورد آدم‌ربایی در استان فارس اتفاق افتاد در حالی که ۴۲ فقره از آدم‌ربایی‌ها کشف شده شش مورد از آدم‌ربایی‌های کشف شده در سال جاری مربوط به پارسال است.»

او از جمله دلایل افزایش آدم‌ربایی‌ها را در میزان کشف مواد مخدر دانسته و اظهار داشت: «هر چه میزان کشف مواد مخدر افزایش می‌یابد، آدم‌ربایی هم افزایش پیدا می‌کند. در این گونه موارد باندهای مواد مخدر به دلیل کشفیات مواد مخدر از سوی پلیس خسارت زیادی متحمل می‌شوند. قاچاقچیان که به دلیل کشف مواد مخدر ضرر کرده‌اند برای جبران پول ازدست‌رفته در حالی که تحت فشار همکاران خود هستند، از آدم‌ربایی به عنوان یک شیوه جایگزین استفاده می‌کنند.»

او ادامه داد: «آدم‌ربایی‌ها همیشه در ارتباط با افراد معامله‌کننده مواد مخدر نیست بلکه قاچاقچیان گاهی افرادی را می‌ربایند که دخالتی در معاملات آنها نداشته و فقط دارای تمکن مالی هستند.»

سردار بیگی درباره آدم‌ربایی‌هایی که در بین قاچاقچیان مواد مخدر انجام می‌شود، گفت: «در مواقعی هم طرف معامله خیانت کرده و بهای مواد تحویل شده را نپرداخته، در این صورت هم طلبکار برای پس گرفتن پولش شخصی از اطرافیان بدهکار را می‌رباید.»

به اعتقاد او در حالی که میزان آدم‌ربایی در استان فارس در رابطه مستقیم با کشفیات مواد مخدر است، پایین بودن هزینه ارتکاب جرم هم این نوع ناامنی‌ها در جامعه را تشدید می‌کند.

مجازات قانونی برای آدم‌ربایی ۳ تا ۱۵ سال حبس است که نمی‌تواند عامل بازدارنده برای جلوگیری از تکرار این نوع جرایم در استان فارس شود.

او درباره سن افرادی که گروگان گرفته می‌شوند، اظهار داشت: «الزاماً بچه‌ها هدف آدم‌ربایان نیستند بلکه آنها ترجیح می‌دهند افرادی را بربایند که نگهداری‌شان راحت‌تر باشد.»

بیگی بحث مواد مخدر و انتقال آن از طریق استان فارس را از جمله مسائل جدی این استان دانست که علت اصلی آن به واسطه همسایگان شرقی آن به خصوص کرمان است.

او در این مورد گفت: «باندهای حمل مواد مخدر تلاش می‌کنند محموله‌های خود را به جاده‌های اصلی برسانند و استان فارس این امکان را در اختیارشان قرار می‌دهد.»

به اعتقاد بیگی علل بیشتر جرایم استان ریشه در مواد مخدر دارد و البته افزایش کشفیات مواد مخدر توسط پلیس در چهارماهه اول امسال افزایش داشته است.

او در این مورد گفت: «پارسال ۲۰ تن مواد مخدر در استان فارس کشف شد در حالی که میزان این کشفیات در مدت چهارماهه اول امسال نزدیک به ۱۱ تن بوده که حاکی از افزایش کشفیات در این رابطه است.»

سردار بیگی از افزایش ۲۷درصدی آمار قتل‌های امسال هم خبر داد و افزود: «امسال نسبت به سال پیش تعداد قتل‌ها ۲۹ فقره افزایش پیدا کرده که نسبت به مدت مشابه پارسال افزایش ۲۷درصدی را نشان می‌دهد. در حالی که در حوزه کشف قتل‌ها افزایش ۴۱درصدی کشف این جرم را داشتیم به طوری که از ۱۰۷ قتلی که رخ داده، موفق شدیم ۸۲ نفر از متهمان را شناسایی و دستگیر کنیم.»

او در حالی از افزایش ۲۷درصدی آمار قتل‌ها گفت که ۳۴ درصد از این قتل‌ها با سلاح گرم و بقیه به روش‌های دیگر انجام شده است.

با وجود آمار ۳۴درصدی قتل با سلاح گرم در سال جاری به نظر می‌رسد که سلاح گرم تبدیل به معضلی اجتناب‌ناپذیر شده به طوری که در این استان به گفته سردار بیگی سرقت‌های مسلحانه سه درصد افزایش پیدا کرده و در حالی که پارسال ۶۵ فقره سرقت مسلحانه انجام شده بود در سال جاری این آمار به ۶۷ فقره رسیده است. هم‌اکنون عملیات کشف سلاح در استان فارس در حال انجام است به طوری که کشف سلاح گرم هم در سال جاری سه درصد افزایش پیدا کرد.

او درباره کشف سلاح گرم در استان فارس گفت: «پارسال هزار و ۹۱ قبضه سلاح گرم کشف کردیم که این آمار امسال به هزار و ۱۰۹ قبضه رسیده است در حالی که در سه سال گذشته حدود ۱۰ هزار قبضه اسلحه کشف شده است.»

به نظر می‌رسد استان فارس با وجود دربرگرفتن سه نوع روش زندگی که شامل شهری، روستایی و عشایری است، امکان جمع‌آوری ۱۰۰ درصد اسلحه گرم را نداشته باشد تا جایی که برخی عشایر ناگزیر از داشتن سلاح گرم برای دفاع در مقابل خطرات هستند. بیگی در این مورد معتقد است: «زندگی عشایری طلب می‌کند مردم اسلحه داشته باشند اما باید در این مورد سازماندهی مناسبی انجام شود. افرادی با وجود داشتن مجوز حمل اسلحه به دلیل فقدان آموزش‌های لازم در خانواده دچار حادثه شده‌اند. حتی گاهی بچه‌ها در جریان یک شوخی با اسلحه این حادثه را ایجاد کرده‌اند. فقدان آموزش حتی موجب شده شخصی که برای شکار

عکس: سایت پلیس

از اسلحه استفاده می‌کرد، در جریان یک دعوا به آن متوسل شده و مرتکب جنایت شود.»

او با تایید تقاضای سلاح در استان فارس این موضوع را یادآور شد که فروپاشی رژیم بعث در عراق و شرایط این کشور موجب شده بخش قابل توجهی از سلاح‌های وارد شده از آنجا روانه استان فارس شود. از سوی دیگر مرز کرمان با فارس این استان را تبدیل به محلی برای مبادله اسلحه و مواد مخدر کرده است.

با وجود شرایط خاص استان فارس و نوع زندگی در این استان همچنین وفور ورود اسلحه به‌رغم افزایش کشفیات پلیس و افزایش استفاده از سلاح گرم، مجرمانی را در این استان پدید می‌آورد که پس از ارتکاب جرم به دنبال جایی برای پنهان شدن، می‌روند. مردی که تعداد زیادی از اقوامش را به گلوله بسته بود، دو ماه بعد توسط پلیس دستگیر شد آن هم در کوه‌های اطراف و پس از مدتی پنهان شدن در یک غار.

با این توصیف به نظر می‌رسد استان فارس شرایط جغرافیایی مناسبی را برای پنهان شدن مجرمان فراهم می‌کند که موجب دشواری کار پلیس هم می‌شود. سردار بیگی درباره نحوه نظارت بر این اماکن اظهار داشت: «در این مناطق پاسگاه‌های عشایری مستقر است و با بسیج هم برای توسعه امنیت همکاری نزدیکی داریم. این شرایط جغرافیایی به‌رغم ایجاد فضاهای مناسبی برای زندگی مخفی مجرمان، وقت و انرژی زیادی از پلیس تلف می‌کند، اما پلیس در این مناطق کارنامه موفقی داشته است.»

استان فارس البته در بحث سرقت هم افزایش آمار را داشته به طوری که آمار وقوع سرقت‌های عادی در چهارماهه اول امسال نسبت به سال پیش ۲۰۶ فقره افزایش را نشان می‌دهد. این در حالی است که فقط سرقت موتورسیکلت در دوره مذکور به تعداد ۲۹۸ فقره افزایش یافته و سرقت در حوزه‌های دیگر با روند نزولی مواجه شده است.

در این میان تنها افزایش سرقت موتورسیکلت وجود داشته و سرقت در حوزه‌های دیگر با روند نزولی مواجه شده. اما در استان فارس هم مانند سایر استان‌های کشور با توجه به شرایط و جایگاه طرح‌هایی از سوی پلیس به اجرا درمی‌آید که سردار بیگی در مورد آنها گفت: «موضوع مبارزه با مواد مخدر را به عنوان یک اولویت اساسی تعقیب می‌کنیم. در مورد کاهش تلفات جاده‌ای در این استان هم به‌رغم ایجاد نشدن زیرساخت‌های لازم، به دنبال کاهش این توقع تلفات هستیم. استان فارس نقطه اجباری عبور برای تردد محسوب می‌شود در حالی که در سال‌های اخیر عبور و مرور شهرهای بوشهر و عسلویه هم به آنها اضافه شده. تلاش می‌کنیم تا آمار مرگ‌ومیرهای جاده‌ای این استان را کاهش دهیم اما زیرساخت‌های لازم برای این کار هنوز مهیا نشده است. ایجاد امنیت اجتماعی از جمله اولویت‌های اصلی فعالیت‌های پلیس در استان فارس به شمار می‌رود و تلاش می‌کنیم با اجرای طرح‌های ارتقای امنیت اجتماعی احساس امنیت اجتماعی را در بین مردم افزایش دهیم.»

نگاه

نحوه نگرش به انتخاب همسر

اسماعیل اسدپور*

فرآیند انتخاب همسر برای هر فرد بالغ و مجرد، مرحله‌ای بسیار مهم و اغلب دشوار محسوب می‌شود. شاید کمتر انتخاب دیگری ممکن است تا این اندازه در طول زندگی زوج‌ها مرکز توجه و بسیار با اهمیت تلقی شود. اما متاسفانه، در بحبوحه دوران معاشقه (نامزدی) افراد جوان اغلب بی‌ملاحظه می‌شوند و مشکلات اساسی را در ازدواج نادیده می‌گیرند و یا اینکه آنها را بررسی نمی‌کنند. علاوه بر این نگرش‌ها و عقاید خاصی در جامعه ما رواج یافته است که موجب ناامیدی و نارضایتی در فرآیند انتخاب همسر می‌شوند. در این میان برخی از عقاید و باورها در فرآیند ازدواج و انتخاب همسر غیرمنطقی و محدودکننده به نظر می‌رسند. باورها و یا عقاید غیرمنطقی (محدودکننده) درباره انتخاب همسر که به عنوان باورهای شخصی تعریف شده‌اند:

الف – زمان ازدواج و انتخاب فرد موردنظر برای ازدواج را محدود می‌کنند.

ب – تلاش برای پیدا کردن فرد مناسب برای ازدواج را دچار افراط و یا تفریط می‌کنند.

ج – از بررسی اندیشمندانه توانایی‌ها و ضعف‌های بین فردی و شناختن فاکتورهای قبل از ازدواج که در موفقیت ازدواج موثر هستند، جلوگیری می‌کنند.

د – مشکلات و موانع انتخاب همسر را تداوم می‌بخشند و گزینه‌های بعدی برای حل مشکلات را به حداقل می‌رسانند.

■ نُه باور غیرمنطقی درباره انتخاب همسر

موضوعی که به طور وسیع در پیشینه تجربی در زمینه انتخاب همسر نادیده گرفته شده است مربوط به نقش و تاثیر باورهای شخصی در فرآیند انتخاب همسر است. از بررسی سوابق موجود در زمینه نقش باورها در انتخاب همسر، لارسن (۱۹۹۲) نه باور غیرمنطقی را که افراد اغلب درباره انتخاب همسر دارند بیان کرده است.

۱ – اعتقاد به اینکه من فقط می‌توانم عاشق یک نفر باشم. شخصی که دارای این عقیده است گمان می‌کند که تنها یک نفر در دنیا برای ازدواج با او مناسب است. این تفکر بسیار شبیه این عقیده است که ما جایی در دنیا همزاد و یا نیمه دومی داریم که با ازدواج با او همه چیز به تکامل می‌رسد.

۲ – همسر کامل. اعتقاد به این تفکر «تا زمانی که فردی کامل برای زندگی پیدا نکنم، نباید ازدواج کنم». کسی که این اعتقاد را داشته باشد شاید برای تصمیم گرفتن برای ازدواج دچار محدودیت شود چرا که هیچ فردی کامل نیست و شاید برای پیدا کردن چنین فردی باید زمانی طولانی صرف شود.

۳ – تکامل خود. کسی که اینگونه فکر می‌کند می‌گوید: «تا زمانی که نتوانم به خودم به عنوان یک همسر اعتماد کنم، نباید ازدواج کنم.»

۴ – ارتباط کامل. صاحب این عقیده این چنین می‌اندیشد: «ما باید قبل از ازدواج ثابت کنیم که ارتباط موثری خواهیم داشت.» توجه به فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده پیش از ازدواج بسیار عاقلانه است.

۵ – تلاش بیشتر. این اعتقاد با این تفکر شکل می‌گیرد که من با هر کسی که برای ازدواج انتخاب کنم خوشبخت خواهم شد به شرط آنکه به قدر کافی تلاش کنم. لارسن (۱۹۹۲) تاکید می‌کند که تلاش دو همسر برای حل مشکلات و موثر ساختن یک ازدواج، دو فرد بالغ و متفکر را می‌طلبد.

۶ – عشق کافی است. فرد دارای این عقیده شاید چنین بگوید: «عاشق کسی شدن برای من دلیل کافی برای ازدواج است.» جامعه غربی عشق رمانتیک را به عنوان شرطی لازم برای ازدواج ارزشمند می‌شمارد. در واقع، اشخاص کمی هستند که ازدواج را بدون عشق تصور کنند.

۷ – همزیستی. این عقیده چنین است: «اگر من و همسر آینده‌ام قبل از ازدواج با هم زندگی کنیم، شانس و خوشبختی‌مان را افزایش خواهیم داد.»

۸ – فرد مکمل و تضاد. در این نگرش شخص اینگونه می‌اندیشد: «من باید با کسی ازدواج کنم که خصوصیات شخصیتی او متضاد با خصوصیات من باشد.» اگرچه تفکر رایج مبنی بر آنکه افراد با خصوصیات کاملاً متفاوت می‌توانند کامل‌کننده ضعف‌ها و قوت‌های یکدیگر باشند، اما فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده موفقیت در ازدواج نشان می‌دهند که قوی‌ترین عامل خوشبختی، همانندی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و خصوصیات شخصی است.

۹ – انتخاب باید آسان باشد. این عقیده که انتخاب یک همسر باید ساده باشد و این انتخاب حاصل یک شانس و یا اتفاق است. بنابراین فرد شاید تصور کند که برای انتخاب همسر به جای عمل کردن باید در انتظار یک اتفاق بماند. چنین فردی در انتظار شانسی برای دیدار و عشق در اولین نگاه است بدون آنکه از تفکر محتاطانه، آمادگی لازم، یا انجام عملی برای نزدیک‌تر شدن به هدف ازدواج کمک گرفته شود. مواردی که عنوان شدند فقط تعدادی از نگرش‌ها و باورهای غیرمنطقی افراد نسبت به انتخاب همسر هستند. در صورتی که این نگرش‌ها و عقاید نادرست و غیرمنطقی افراد تغییر یابند و در جهت صحیح هدایت شوند، شاهد افزایش ازدواج‌های موفق در جامعه خواهیم بود و همچنین با توجه به مشکل‌ساز بودن نگرش‌های نادرست، می‌توان درمانگران، مشاوران قبل از ازدواج و تعلیم‌دهندگان ازدواج را یاری کرد تا به افراد کمک کنند تا برای ازدواج بهتر آماده شوند.

* کارشناسی ارشد مشاوره خانواده